

DOI: [10.30512/KQ.2021.13579.2644](https://doi.org/10.30512/KQ.2021.13579.2644)

تحلیل تطبیقی دیدگاه آیت‌الله معرفت و آیت‌الله میلانی در باب صحابه و حجیت قول آنان در تفسیر ×

محسن حسن‌وندی^۱

مهدی اکبرنژاد^۲

چکیده

یکی از منابع مورد استفاده در تفسیر، روایات تفسیری است. از جمله این روایات، روایات تفسیری صحابه پیامبر اکرم (ص) است. آنچه که در خصوص قول صحابه، محل بحث و اختلاف نظر علماء است، حجیت و یا عدم آن، در تفسیر می‌باشد. از جمله علمای معاصر شیعه که در این خصوص نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند، حضرات آیات محمدهادی معرفت و سیدعلی حسینی میلانی می‌باشند. این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی، دیدگاه و دلایل این دو اندیشمند گرانقدر را در باب اعتبار و حجیت قول صحابه در فهم و تفسیر آیات قرآن کریم، تطبیق داده و وجوه افتراق و اتفاق این دو دیدگاه را تبیین و تحلیل نماید. بررسی دیدگاه این دو اندیشمند نشان می‌دهد که اختلاف نظر آیت‌الله میلانی با آیت‌الله معرفت به دلیل اختلاف برداشت در تعاریف و مصادیق صحابه بوده و با تحلیل دقیق دیدگاه معرفت، به دیدگاه یکسانی از آن دو در این زمینه می‌رسیم. به این معنا که بر طبق دیدگاه آیت‌الله معرفت، ضمن قائل شدن به تفصیل در بین صحابه از یک سو و سخنان نقل شده از ایشان از سوی دیگر، می‌توان در مواردی به حجیت قول صحابه و در مواردی نیز، به عدم حجیت قول آنان قائل شد.

واژگان کلیدی: صحابه، روایات تفسیری، حجیت قول صحابه، آیت‌الله معرفت، آیت‌الله میلانی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام / Hasanvafa88@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) / m.akbarnezhad@ilam.ac.ir

۱- مقدمه و طرح مسأله

حجم زیادی از احادیث و روایات فقهی و تفسیری، از طریق صحابه پیامبر اکرم (ص) به دست ما رسیده است. همین مسأله باعث شده تا روایات تفسیری صحابه در کنار اخبار و نظرات مجتهدانه ایشان، به عنوان یکی از منابع تفسیر مورد استفاده و استناد مفسران قرار گیرد. این رویه در بین اهل سنت، به دلیل اعتقاد به وثاقت و عدالت عموم صحابه از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بعضی از مفسران اهل سنت با تکیه بر نظریه عدالت صحابه، جرح آنان را وارد ندانسته و برای روایات و اقوال ایشان در تفسیر آیات قرآن کریم، حجیت و اعتبار قائل شده و اخبار و روایاتشان را بدون هیچگونه فحوصی می‌پذیرند (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۰/قرطبی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۷۶/ابن قیم، ۱۹۷۳، ج ۴، ص ۱۲۴). اما مفسران شیعه ضمن همراهی با اهل سنت در شرط بودن عدالت راوی، به دلیل رد دیدگاه عدالت قاطبه صحابه، بالطبع، در خصوص اقوال و روایات تفسیری و نیز، نظرات برخاسته از اجتهاد ایشان، تقسیماتی صورت داده و پذیرش آن را منوط به صحت و وثاقت بعد از فحوص و بررسی می‌دانند. بر این اساس، گاهی روایات صحابه را هم طراز با روایات دیگر افراد عادی معرفی کرده و گاهی نیز با در نظرگرفتن حدود و شرایطی، برای روایات عده‌ای از صحابه، اعتبار قائل هستند.

از جمله علمای معاصر شیعه که در خصوص اقوال و روایات تفسیری صحابه به بحث و بررسی پرداخته‌اند، آیت‌الله محمدهادی معرفت (۱۳۰۹-۱۳۸۵ش) و آیت‌الله سیدعلی حسینی میلانی (تولد: ۱۳۲۷ش) هستند که در این پژوهش به بررسی دیدگاه‌های ایشان در ارتباط با این مبحث پرداخته می‌شود. بحث پیرامون دیدگاه‌های ایشان و تطبیق آنها، از آن جهت حائز اهمیت است که آیت‌الله میلانی در برابر دیدگاه آیت‌الله معرفت در باب حجیت قول صحابه، موضع‌گیری نموده و به رد و نقد آن پرداخته است. «بر اساس دیدگاه آیت‌الله معرفت، سخن صحابی در تفسیر معتبر است، چه فهم تفسیری و چه روایت تفسیری او. ایشان سخن صحابه را یکی از منابع اصیل در تفسیر می‌دانند» (حکیم‌زاده و معارف، ۱۳۹۳، ص ۵۳) و برای آن، ارزش و اعتبار خاصی قائل است: «تفسیر صحابی، ارزش علمی و عملی بالای خود را دارد، چه، صحابه درهای دانش پیامبر (ص) و راههای رسیدن به آن هستند. پیامبر (ص) آنان را تربیت کرد، آموزش داد و فهم عمیق بخشید...» (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۹). ایشان در ادامه، دلیل ارزشمندی تفسیر صحابه را چنین بیان کرده است: «ارزش تفسیر صحابی، به سبب نزدیکی-اش به رسول خدا (ص) و توجه فراوان حضرت به امر تعلیم و تربیت اوست. نیز، به سبب نزدیک بودن دوران صحابی به جایگاه‌های نزول قرآن و آشناتر بودنش به اهداف و مقاصد آیات می‌باشد» (همان، ص ۱۴۳). «بنابراین، بر اساس دیدگاه صحیح، سخن صحابی در تفسیر معتبر است، چه فهم تفسیری و چه روایت تفسیری او. همچنین، سخن او یکی از منابع اصیل در تفسیر می‌باشد، لیک باید از روایات ضعیف و ساختگی پرهیز کرد» (همان، ص ۱۵۰).

در مقابل، آیت‌الله میلانی در بخش‌هایی از کتاب خود با عنوان «عدالت صحابه»، به نقد دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت در باب اعتبار و حجیت قول صحابه پرداخته است. از جمله، ضمن نقل قول ایشان در خصوص منزلت صحابه که ایشان را تربیت یافتگان پیامبر (ص) معرفی کرده است، می‌آورد: «کبرای کلی این سخن که پیامبران و

در میان آنان، پیامبر اکرم (ص) وظیفه تزکیه و تعلیم آیات الهی را بر عهده دارند، صحیح بوده و جای تردید نیست و این صغرا که پیامبر اکرم (ص) در این راستا کوتاهی نکرده، نیز به یقین صحیح است، اما اینکه چه ارتباط و ملازمه‌ای میان انجام وظیفه پیامبر (ص) با اعتبار قول تمامی صحابه است، باید مدعی [آیت‌الله معرفت] پاسخگو باشد» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۳۳۹). ایشان در ادامه نظر خود آورده‌اند: «با رجوع به کتب تاریخی، تفسیری و دیگر کتب اهل سنت، می‌توان به حقایقی دست یافت که می‌تواند ادعای نویسنده کتاب التفسیر و المفسرون و التفسیر الاثری الجامع [مبنی بر حجیت قول صحابه و اعتبار نظرات تفسیری آنان] را به چالش بکشد» (همان، ص ۳۴۰). همانطور که از این اختصار - به عنوان نمونه‌ای از دیدگاه‌های آیت‌الله میلانی در این زمینه - مشاهده می‌شود، ایشان در برابر نظر آیت‌الله معرفت راجع به ارزش و حجیت قول صحابه، موضع‌گیری کرده و در اعتبار قول قاطبه صحابه خدشه وارد نموده و بر اساس شواهد قرآنی و تاریخی، به اثبات دیدگاه خود می‌پردازد. از این رو، در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که دیدگاه دقیق آیت‌الله معرفت در باب صحابه و حجیت قول صحابه چیست؟ آیت‌الله میلانی نسبت به تعریف و تعیین صحابه و حجیت قول آنان چه رویه‌ای اتخاذ نموده است؟ و جوه اتفاق و افتراق دیدگاه هر دو اندیشمند در موضوع مورد بحث چیست؟

۲- اصطلاح‌شناسی

عبارت اصطلاح‌شناسی در این مقاله به واژه‌هایی اشاره دارد که پایه اصلی بحث را تشکیل داده و شناخت دقیق از معنا و مفهوم و همچنین رابطه آنها، در تبیین و تحلیل علمی مسأله پژوهش، نقش کلیدی دارد.

۲-۱- صحابه

از سوی علمای اهل سنت و شیعه در خصوص صحابه، تعاریف مختلفی وارد شده است، علت این اختلاف و تنوع، فقدان معیار و ملاک واحد در تعریف صحابی و تعیین دایره مصادیق آن است. صحابه در لغت از ریشه «ص/ح/ب» و جمع صاحب، صحب و صحبان و در معنی اصحاب به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۲۴/ابن‌درید، ۱۴۰۷، ص ۲۸۰/ابن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۶۷). برخی از اهل لغت معانی یاوری، ملازمت و پیروی را برای آن در نظر گرفته است (ابن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۶۷).

صحابی در عرف به کسی گفته می‌شود که مدت مصاحبش زیاد باشد: «و لا یُقَالُ فی العُرفِ إِلَّا لِمن کَثُرَتْ مُلَازِمَتُهُ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۷۵). در تعاریف اهل سنت، دو شرط دیدن پیامبر (ص) - اگر چه بسیار کوتاه - و ملازمت با ایشان - اعم از مقطعی یا طولانی - وجه غالب و نکته مشترک می‌باشد. طبق این دیدگاه، «هر کس پیامبر اسلام (ص) را با حال اسلام ملاقات کرده و مسلمان از دنیا برود، صحابی است» (علیانسب، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

- صحابی کسی است که پیامبر (ص) را ملاقات کرده، به او ایمان آورده و مسلمان از دنیا رفته باشد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸). ابن جوزی نیز گفته است: «هر کسی که رسول خدا (ص) را دیده و مسلمان شده باشد، از نظر ما از اصحاب پیامبر (ص) محسوب می شود» (ابن جوزی، ۱۴۱۸، ص ۷۱).

- در تعریف مشهور اهل سنت، صرف دیدن کفایت نموده و هر کسی که موفق به دیدار پیامبر (ص) شده باشد، می تواند داخل در عنوان صحابه باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۹).

اما در تعاریف علمای شیعه، همانگونه که از لغت آن بر می آید، بر معاشرت و ملازمت با پیامبر (ص)، ایمان به او و پیروی از آن حضرت تأکید شده است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ص ۶۴) که «البته در معاشرت و ملازمت، تداوم نیز شرط است» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۲۸)، زیرا «بر کسی که با چیزی مصاحبت کوتاهی داشته باشد، اطلاق نمی گردد، بلکه باید مدت نسبتاً طولانی با آن همراه باشد تا این لفظ بر وی صدق کند» (علیانسب، ۱۳۸۵، ص ۲۳). البته، طول ملازمت شرط کافی نبوده و چه بسا افرادی ضمن همنشینی با آن حضرت، صحابه وی به شمار نیایند: «صرف همنشینی، علت تامه تغییر همنشین به یک انسان عادل صالح خدا ترس نیست... بلکه اگر کسی شایستگی هدایت و تصمیم بهره گیری داشته باشد، این همنشینی و مصاحبت می تواند زمینه ساز آن باشد» (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵). مؤلف «مقباس الهدایة» در این خصوص آورده است: «صحابه کسی است که پیامبر خدا (ص) را در حال ایمان ملاقات کرده و با اسلام از دنیا رفته است، هر چند در این میان - ایمان اول و اسلام آخر - ممکن است ارتدادی برای وی رخ داده باشد» (غفاری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰۰).

۲-۲- قول صحابه

در علم حدیث، قول صحابه - یعنی سخنانی که از ایشان رسیده است - دو نوع بوده و از دو جهت مد نظر می باشد:

الف) قولی که به ظاهر از خود صحابیان است و گزارش سخن معصوم نیست؛

ب) روایت از پیامبر (ص)، یعنی قول ایشان روایتی است از گفتار پیامبر (ص) در تفسیر آیات.

مورد دوم، از آنجا که بر اساس نص صادر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، با فرض تحقق شرایط راوی و سلسله سند، یعنی روایاتی که به طرق معتبر از پیامبر (ص) نقل شده باشند، در حجیت و ارزش آن اختلافی نبوده و از منابع طراز اول تفسیری به شمار می آید (ر.ک. ناصح، ۱۳۸۷، ص ۵۴)، اما مورد اول به دلیل منصوص نبودن و بلکه اجتهادی بودن آن، هم بین شیعه و سنی محل اختلاف است و هم بین علمای هر یک از آن دو مذهب و آنچه که به عنوان حجیت و یا عدم حجیت قول صحابه در این نوشتار مد نظر است، همان مورد اول، یعنی نفس قول و بیان صحابه در تفسیر آیات است که حاکی از اجتهاد می باشد.

۲-۳- حجیت

حجت در لغت به معنای دلیل و برهان است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۶۸/ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۸۶/ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۹/ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۸). در اصطلاح، حجیت داشتن یک مسأله در مسائل دینی به معنای آن است که دلیل و برهان بر احکام و معارف دین بوده و عمل بر طبق آن، متصف به صحت است. وقتی گفته می‌شود مسأله‌ای در تفسیر آیات حجیت دارد، به این معناست که در فهم آیات قرآن کریم، اعتبار داشته و می‌تواند مستند و دلیل احکام شرعی قرار گیرد و به آن احتجاج شود. از این رو، حجیت قول صحابه در اینجا «به معنای ارزش و اعتبار فهم و درایت آنها است که یکی از میراث‌های ارزشمند علم تفسیر است، زیرا به دلیل نزدیکی این گروه از مفسران به عهد نزول یا استفاده از پیامبر اکرم (ص)، دارای تجارب ارزنده‌ای در فهم مراد جدی خداوند متعال بوده اند» (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

۳- تبیین، تطبیق و ارزیابی دو دیدگاه در تعریف صحابه

آیت‌الله معرفت با در نظر گرفتن شروط متعدد برای اطلاق عنوان صحابی، به ارائه تعریفی حداقلی از صحابه پرداخته است که نتیجه آن، محدود شدن دایره مصادیق آن می‌باشد. ایشان می‌گویند: «صحابه، جمع صحابی، به معنای فرهیختگانی از شیفتگان فخر رسالت است که پروانه وار، شمع وجود آن حضرت را فرا گرفته بودند، شبانه روز از فیض برکات آن جناب بهره‌وافی می‌بردند، در یاری وی همواره کوشا بودند... از این رو، همه اطرافیان و پیروان آن حضرت در مکه و مدینه، حتی کسانی که برای خدمات ساده در کنار حضرت بودند، صحابه شمرده نمی‌شدند، مگر آن که در راه کسب معنویت از حضرت بودند و در این راه با تمام توان می‌کوشیدند و در این کسب فرهیختگی تداوم داشتند» (همان، ص ۲۶). ایشان در یک تقسیم‌بندی چهارگانه از معاصران پیامبر اکرم (ص)، دسته چهارم را تحت این عنوان قرار داده است: «افراد ملازم حضور در هر مجلس و محفل که هدفشان کسب فیض و کمالات معنوی و اخلاقی و بالا بردن سطح معلومات از طریق پرسش یا گوش دادن به سخنان آن حضرت بود» (همان، ص ۲۸). ایشان در خصوص صحابی، تعاریف و اوصاف دیگری را به همراه بعضی مصادیق آن مطرح کرده است:

- «آنان که رفتار و گفتارشان نمایانگر خلق و خوی پیامبر (ص) بود» (همان، ص ۴۷)؛

- «صحابه از منظر اهل بیت (ع)، کسانی هستند که بر اثر مداومت در خدمت حضرت رسول (ص)، خلق و خوی آن سرور، در گفتار و حتی پندارشان جلوه‌گر باشد و از خرمن برکات و فیوضات وجودی آن حضرت، بهره‌های وافر برده باشند و این بهره‌گیری سرشار، در سراسر وجودشان آشکار باشد، ولی کسانی را که صرفاً مدتی را پیرامون حضرت گذرانده و هرگز از خصال حمیده و صفات جمیله آن حضرت، بویی نبرده باشند، نمی‌توان از زمره صحابه شمرده، گرچه در ظاهر، مصاحب (همراه) و در رکاب حضرت بوده باشند...» (همان، صص ۵۸-

- «مقصود از صحابه در کلام بزرگان و پیروان مکتب اهل بیت (ع)، نیز صحابه‌ای است که تعریف و توصیف ائمه اهل بیت (ع) شامل آنها می‌شود» (همان، ص ۴۹) و این تعاریف و توصیف‌های اهل بیت (ع)، شامل حال عده‌ای خاص از صحابه و یاران پیامبر (ص) و مانع بسیاری دیگر خواهد شد (ر.ک. همان، صص ۴۸-۵۵)؛

- «اصحاب پیامبر اسلام (ص)، مانند حواریون حضرت مسیح، افرادی هستند که از برکات وجودی آن حضرت، بهره بسیار برده و کسب فیض وافر کرده باشند» (همان، صص ۱۷-۱۸)؛

- «عنوان فخیم صحابی تنها شایسته کسانی است که پروانه‌وار، گرداگرد شمع وجود حضرت ختمی مرتبت را فرا گرفته بودند و بر اثر ملازمت و مصاحبت پیوسته، از برکات وجودی آن حضرت بهره‌ها می‌بردند و چون مظهری تابناک، جلوه‌گر صفات و اخلاق کریمه آن وجود مبارک گردیده بودند...» (همان، صص ۱۹-۲۰)؛

- ایشان نمونه‌ای از صحابی راستین را چنین آورده است: «ابوالهیثم بن التیهان انصاری، عبدالله بن عباس، مالک اشتر، سهل بن حنیف، عثمان بن حنیف، ابورافع» (همان، صص ۷۱-۷۲).

همچنانکه از همه این تعاریف بر می‌آید، از نگاه آیت‌الله معرفت بایستی بین پیروان پیامبر اکرم (ص) و صحابی آن حضرت تمایز قائل شد. به این معنا که بین این دو مفهوم، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار بوده و صحابه، عده‌ای خاص و جمع برجسته‌ای از خیل عظیم پیروان حضرت به شمار می‌آمده‌اند.

آیت‌الله میلانی در بحث عدالت صحابه و رد نظر اهل سنت در این خصوص، در باب تعریف صحابه معتقد است که «به اتفاق واژه پژوهان، ملازمت و معاشرت در معنای این واژه لحاظ شده است.» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۳۰). بنابراین، از نظر ایشان صحابی کسی است که در معاشرت و ملازمت با پیامبر اکرم (ص) بوده باشد که البته در این معاشرت و ملازمت، تداوم را نیز شرط دانسته است (همان، ص ۲۸). ایشان بر اساس شواهد و دلایلی، وثاقت قاطبه صحابه را رد نموده و معتقد است که در اخذ دین نمی‌توان به بسیاری از آنان اعتماد کرد. همچنین، بعد از بیان تعریف مازری - از علمای اهل سنت مالکی - در مورد صحابه که گفته است: «منظور ما از اینکه صحابه عادل هستند این نیست که هر کسی یک روز آن حضرت را ملاقات کرده یا در جایی او را زیارت کرده صحابه محسوب شود، بلکه منظور کسانی هستند که همراه رسول خدا (ص) بوده و آن حضرت را یاری کرده و از نوری (قرآن) که بر او نازل شده پیروی کرده‌اند، اینان رستگارانند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۶۳)، تعریف ایشان (مازری) در مورد صحابه را درست‌تر دانسته است: «با توجه به معنای واژگانی صحابی، مسلماً سخن مازری به صواب نزدیک‌تر است» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۳۵). بر همین اساس، آیت‌الله میلانی نیز صحابه راستین پیامبر اکرم (ص) را چنین به تصویر کشیده است: «در میان اطرافیان رسول خدا (ص)، مؤمنان صادقی نیز بوده‌اند که با نیت یادگیری و اخذ تعالیم و دستورات دین خدا، به خدمت خاتم الانبیاء (ص) شرفیاب شده و با دقت حقایق دین را از آن حضرت اخذ می‌کرده‌اند و ایمان و صداقتشان موجب می‌شد تا آنچه را از رسول خدا (ص) آموخته‌اند، بدون زیاده و نقصان و بی هیچ دخل و تصرفی، به دیگران منتقل کنند. بی‌شک، تنها این گروه صلاحیت واسطه بودن برای انتقال قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) را دارند و می‌توان با اعتماد کامل به آنان، تفسیر صحیح قرآن و احکام و معارف دین را که توسط رسول خدا (ص) بیان شده، دریافت کرد» (همان، ص ۴۳).

همچنانکه مشاهده می‌شود، در تعریف مازری از صحابه، بر ملازمت با پیامبر اکرم (ص)، تکریم و یاری ایشان و پیروی از نور نبوی و قرآن کریم تأکید شده است. از این رو، می‌توان گفت که تعریف آیت‌الله معرفت از صحابه، تا حد بسیار زیادی همان تعریفی است که مازری ارائه داده و مورد تأیید و استناد آیت‌الله میلانی نیز قرار گرفته است. به عبارت بهتر، تعریف مازری در تعریف آیت‌الله معرفت مندرج است؛ با این تفاوت که در تعاریف آیت‌الله معرفت، شروط و حدود بیشتری برای تحقق عنوان صحابی در نظر گرفته شده است. بنابراین، از آنجایی که آیت‌الله میلانی نسبت به تعریف صحابه و در نتیجه، تعیین مصادیق و اعتبار قول آنان، نظر سخت‌گیرانه‌ای ارائه داده است، پذیرش نسبی نظر مازری از سوی ایشان، منتج به یکی از این دو حالت خواهد شد:

الف) تأییدی ضمنی است بر نظرات آیت‌الله معرفت، زیرا ایشان همچون آیت‌الله میلانی، در تعیین حدود و ثغور عنوان صحابی نگاه سخت‌گیرانه‌ای ارائه داده است؛

ب) سؤال و ابهام مطرح شده از سوی آیت‌الله میلانی نسبت به دیدگاه آیت‌الله معرفت، در مورد دیدگاه خود ایشان نیز قابل طرح است، آنجا که می‌گویند: «به راستی، صحابه پیامبر (ص) برای کسب علم، چه مقدار سختی کشیده و خود را در راه مسیر استفاده از فیوضات علمی پیامبر (ص) به مشقت انداخته‌اند و اینکه چه تعداد و کدامین یک از صحابه پیامبر (ص) حاضر شده‌اند برای تعلم علوم قرآن و معارف دین، این سختی‌ها را تحمل کنند تا بگوییم به علم پیامبر (ص) دست یافته‌اند، تا رهاورد آن، حجیت قول آنان و اعتبار نظرات تفسیری آنان باشد؟» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۰).

به نظر می‌رسد، ابهامی که در خصوص دیدگاه آیت‌الله معرفت پیش آمده، آن است که ایشان معتقد به اعتبار و حجیت قول تمامی صحابه در تفسیر قرآن کریم است. حال آنکه بر اساس مطالب یاد شده و به خصوص، تعریف آیت‌الله معرفت از صحابه واقعی، ایشان دایره صحابه را بسیار محدود کرده و تنها عده‌ای خاص از ملازمان پیامبر (ص) را صحابه راستین دانسته که سخنشان دارای حجیت است. بر این اساس، قائل به حجیت قول تمامی آنان در تفسیر نیست و آنجا که اعتبار قول صحابه را مطرح می‌کند، بزرگان و برجستگان ایشان را مد نظر داشته است و البته، برای حجیت قول همین عده خاص نیز شرایط و ضوابطی را در نظر گرفته است که سایر مفسران نیز بدان معتقد بوده و در این رابطه، نظر جدیدی به شمار نمی‌آید، از جمله اینکه در خصوص روایات تفسیری، مهم‌تر از همه و در درجه اول، صحت متن حدیث و مطابقت با محکومات دین و در درجه دوم، صحت سند و موثق بودن راوی را شرط ارزشمندی دانسته است (ر.ک. معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۱۸). البته، نباید این نکته را از نظر دور داشت که ایشان بررسی سندی روایات تفسیری را به دلیل ضعف سلسله‌سندها، جعل و وضع حدیث و همچنین، رواج اسرائیلیات در تفسیر چندان سودمند نمی‌داند (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۵). بنابراین، «همین نقش درجه دوم را هم کم‌رنگ کرده است» (اخوان‌صراف، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱). با این اوصاف، این سخن آیت‌الله میلانی که در خصوص دیدگاه آیت‌الله معرفت بیان داشته‌اند، وجهی نداشته و برداشتی نادرست از دیدگاه واقعی ایشان در خصوص صحابه، عدالت و نیز، حجیت قول آنان است، آنجا که می‌گویند: «ادعای اعتبار و حجیت قول تمامی صحابه توهمی بیش نیست و از وجاهت علمی برخوردار نمی‌باشد و گزارش‌های تاریخی نیز مساعد با این ادعا

نیست. از سوی دیگر، جرح صحابه و بررسی عدالت و وثاقت آنان و حجیت سخن آنان، هیچ خدشه‌ای به اعتبار پیامبر اکرم (ص) نرسانده و نمی‌رساند» (میلانی، ۱۳۹۳، صص ۳۵۴-۳۵۵)؛ یا آنجا که گفته است: «به چه توجیه علمی و به چه قیمتی باید در مسیر اثبات عدالت تمامی صحابه گام برداشت؟ و این همه اصرار بی‌پایه و خلاف وجدان علمی برای چیست؟» (همان، ص ۳۳۵)، از اینگونه برداشتهاست. این در حالی است که آیت‌الله معرفت، ضمن بیان نقل قول سیدمحسن امین در باب دیدگاه شیعه نسبت به صحابه که گفته است: «صحابی مانند دیگران مفروض العدالة نیستند و هرگز طبق تعریف ابن حجر، نمی‌توان مطلق صحابی را عادل شمرد. آری، هر که را عادل یافتیم و او را از جاده حق منحرف نیافتیم، روایت او را می‌پذیریم و لازمه تعظیم و توقیر او را، به جهت شرافت صحبت و نصرت دین و کوشش در راه خدا - آنگونه که شایسته و بایسته است - به جای آوریم؛ ولی امثال مروان، مغیره، ولید بن عقبه، بسر بن ارطاه و برخی از بنی‌امیه را [صحابی] به حساب نمی‌آوریم» (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۵۸ / امین، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۱۳). پذیرش و اعتبار روایت صحابی را منوط به عدالت او و عدم انحراف از جاده حق معرفی می‌کند. بر این اساس، برخلاف برداشت آیت‌الله میلانی از دیدگاه آیت‌الله معرفت، نه همه صحابه عادل بوده‌اند و نه قول همگی آنان حجیت دارد. از این عبارات به دست می‌آید که بین دیدگاه آیت‌الله معرفت و شیعه امامی - آنگونه که آیت‌الله میلانی به عنوان مستند مطرح کرده است - هماهنگی و اتفاق وجود دارد، در آنجا که آیت‌الله میلانی می‌گویند: «آنان [شیعه امامی] اتفاق نظر دارند که صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند، در بین آنها عادل، فاسق، مؤمن و منافق وجود دارد و صرف مصاحبت با پیامبر خدا (ص)، گرچه موجب شرافت است، اما برای آنها عصمت نمی‌آورد و کارهای زشت و قبیح را از آنان دور نمی‌سازد» (میلانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵). آیت‌الله میلانی در مقام جواب و رد نظر آیت‌الله معرفت در تعریف صحابی چنین آورده‌اند: «به راستی، صحابه پیامبر (ص) برای کسب علم، چه مقدار سختی کشیده و خود را در راه مسیر استفاده از فیوضات علمی پیامبر (ص) به مشقت انداخته‌اند و این که چه تعداد و کدامین یک از صحابه پیامبر (ص) حاضر شده‌اند برای تعلّم علوم قرآن و معارف دین، این سختی‌ها را تحمل کنند تا بگوییم به علم پیامبر (ص) دست یافته‌اند، تا رهاورد آن، حجیت قول آنان و اعتبار نظرات تفسیری آنان باشد؟» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۰). ایشان در این خصوص به آیه نجوا استناد کرده و آن را فیضی برای علی (ع) دانسته و مایه ملامت و مذمت سایر صحابه، زیرا کسی غیر از علی (ع) به آن عمل نکرده است و همین مسأله را به عنوان مثال نقضی جهت کسب علم و فیض و کمالات اخلاقی و معنوی صحابه دانسته است: «آیه نجوا در زمره آیاتی است که از یک سو بر فضیلت امیرالمؤمنین (ع) دلالت دارد و از سوی دیگر، مشتمل بر ملامت و مذمت سایر صحابه است... بر اساس احادیث نبوی، تنها کسی که به این دستور خدا عمل کرد، حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود و سایر صحابه از تن دادن به آن

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ

سر باز زدند» (همان، همانجا). اما به نظر می‌رسد که اولاً: آیت‌الله معرفت از بیان تعبیر فوق، صرفاً عده‌ای خاص و انگشت‌شمار و در رأس آنها، حضرت علی (ع) را مد نظر داشته است که این ادعا، از تعریف ایشان از صحابه به دست می‌آید، ثانیاً: بر اساس نظر خود آیت‌الله میلانی، آیت‌الله معرفت صرفاً عده‌ای خاص از صحابه، یعنی بزرگان ایشان را شایسته توجه در تفسیر دانسته است و نه همه ایشان را: «ایشان در هر دو نوشته خود، بزرگان صحابه را ستارگان آسمان، چراغ‌های روشن در تاریکی و نشانه‌های هدایت دانسته است» (همان، ص ۳۳). به همین دلیل است که هر جا صحابی مورد وثوق را که قول و فهمشان در تفسیر معتبر است، اراده کرده، از عنوان بزرگان صحابه استفاده نموده است (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۵ و ۲۳ و ۱۳۸ و ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۲۷۸ و ۲۸۲)، ثالثاً: همانطور که خود آیت‌الله میلانی گفته است: «این حکم شامل فقرا و کسانی که تمکن پرداخت صدقه را نداشته‌اند، نمی‌شده است» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۴)، می‌توان حداقل همین طبقه فقرا از صحابه را - علاوه بر حضرت علی (ع) - به عنوان صحابه راستین مد نظر آیت‌الله معرفت، به شمار آورد.

۴- تبیین، تطبیق و ارزیابی دو دیدگاه درباره حجیت قول صحابه

مسأله‌ای که در این بخش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، حدود و ملاک حجیت و اعتبار قول صحابه است. همانطور که گفته شد، قول صحابه در تفسیر قرآن کریم، از دو جهت مد نظر می‌باشد:

الف) روایت از پیامبر (ص)، یعنی آنچه می‌گویند، روایت از پیامبر (ص) در تفسیر قرآن کریم است. بنابراین، صحابه در این حالت، صرفاً به عنوان راوی روایات تفسیری در نظر گرفته می‌شوند؛

ب) قولی که به ظاهر از خود صحابیان است و گزارش سخن معصوم (ع) نیست.

آیت‌الله معرفت در بیان اهمیت اقوال تفسیری صحابه مفسر و شروط اعتبار آن آورده است: «بزرگان و دانشمندان اصحاب چنین بوده‌اند و جز با اتکا بر مصدر وحی و خاستگاه دانش الهی سخن نمی‌گفته‌اند. چگونه می‌توان در درستی گفتار جمع کثیری که حاملان دانش پیامبر (ص) و پاسبانان امین شریعت بوده‌اند، تردید کرد؟ البته، در حجیت و اعتبار حدیث صحابه باید دو شرط مراعات گردد: نخست صحت سند، دوم، بلند پایه بودن مقام آن صحابی. با تحقق این دو شرط، دیگر جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند و راهی جز اعتماد و جواز اخذ آن نیست» (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۸). در مورد شرط اول ایشان، «واقعیت آن است که اطلاعات سند، حکم مواد اولیه در ارزیابی روایت را دارا است و باید پردازش شود، ارزش حدیث را اطلاعات سند آن تعیین نمی‌کند، بلکه اعتبار روایت، محصول پردازشی است که بر این اطلاعات انجام می‌شود. اطلاعات سندی، مثل ضعف به خاطر ارسال را نباید مستقیماً در اعتبارسنجی حدیث مصرف کرد. به عبارت واضح‌تر، قوت و ضعف سند لزوماً حدیث را معتبر یا نامعتبر نمی‌کند، بلکه در فرایند اعتبارسنجی به کار می‌آید. مرحوم معرفت به این نکته متنبه است، این است که ضعف اسناد روایت تفسیری، او را نا امید نمی‌کند، بلکه به این نتیجه می‌رساند که نسبت به روایات این چنینی، بررسی سندی مفید یا سودمند نیست و باید راه دیگری در اعتبارسنجی رفت و آن

بررسی متنی است. پس، روایت ضعیف کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه برای اعتبارسنجی وارد چرخه‌ای دیگر می‌شود» (اخوان صراف، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳). به هر حال، شرط اول نه تنها در مورد صحابه، بلکه در مورد هر کس دیگر که حامل روایتی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) باشد، لازم الاجرا است؛ اما شرط دوم، یعنی بلند پایه بودن مقام صحابی و توثیق ایشان، از یک سو مانع اغیار بوده و جمع کثیری از صحابه در معنای عام را از تعریف خارج می‌کند. از این رو، با ذکر روایتی از امام رضا (ع) که معاویه را از تعریف و دایره مصادیق صحابه خارج می‌کند، می‌نویسد: «این بهترین اشاره به سبب خارج شدن امثال معاویه از صحابیان برجسته است» (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۴) و از سوی دیگر، اعتبار سخن صحابی را مشروط و محدود کرده است. بنابراین، به رغم برداشت آیت الله میلانی، آیت الله معرفت اعتقادی به حجیت قول تمامی صحابه ندارد، ایشان همچون دیگر علمای شیعه، در خصوص روایات تفسیری صحابه، صحت سند و طریق آن را شرط دانسته است و در خصوص نظرات اجتهادی ایشان، مقام علمی و دینی آنان را شرط صحت معرفی کرده است. به عبارتی دیگر، دو شرط فوق که آیت الله معرفت مطرح کرده‌اند، بدین صورت تفکیک می‌شوند:

آنچه که صحابه در تفسیر قرآن کریم آورده‌اند، یا نقل و روایت از پیامبر اکرم (ص) و مستند به او است، یا برداشت و نظر خود ایشان، مورد اول در صورتی می‌تواند معتبر باشد و مورد عمل قرار گیرد که صحت سند آن ثابت شود، حجیت و اعتبار مورد دوم نیز در صورتی است که از صحابی بلند پایه صادر شده باشد، شرط اول در مورد همه راویان، اعم از صحابه و غیر صحابه ملاک و معیار می‌باشد، اما بحث اصلی حجیت قول صحابه، حول محور حالت دوم یعنی اقوال تفسیری خود صحابه است، ایشان (آیت الله معرفت) معتقد است که گفتار صحابه - یعنی صحابه راستین بر اساس تعریف ایشان - در این مورد حجیت دارد، «زیرا گستره دانش آنان ایجاب می‌کرد که خود، صاحب نظر باشند و با توجه به اینکه امکان خطا در اجتهاد وجود دارد، گرچه درصد خطای آنان پایین است و احتمال صواب ترجیح دارد، به این دلیل تفصیل قائل شده‌اند: در مواردی که اعمال نظر می‌تواند نقش داشته باشد، گفتار صحابی به خود او نسبت داده می‌شود و مواردی که دانستن آن جز از طریق وحی میسر نیست، به پیامبر (ص) منتسب خواهد بود، زیرا گزارش دهندگان که بزرگان صحابه به شمار می‌روند، عادل هستند و با پروا، لذا آنچه را که از طریق حس نتوان به آن دست یافت، گزارش نمی‌کنند جز آنکه از دانایی توانا و صادقی امین دریافت کرده باشند» (همان، همانجا). همانطور که گفته شد، ایشان در خصوص روایات تفسیری صحابه که منقول از پیامبر اکرم (ص) می‌باشد، صحت سند را شرط حجیت آن دانسته است، اما روایات تفسیری صحابه را که منقول از پیامبر اکرم (ص) نیست، ولی برای آن حجیت قائل است، بر دو گونه می‌داند: الف) اجتهاد محض ایشان بر اساس دریافت‌های حسی و علم و آگاهی‌شان که منحصر در معانی لغات و آداب و رسوم عرب جاهلی و همچنین وقوف بر شأن نزول به دلیل مشاهده حضوری می‌شود؛ ب) اخذ از دانایان و آگاهان.

در سایر موارد، روایات تفسیری ایشان را نه حجت، بلکه به صحت نزدیک‌تر دانسته است: «به هر حال، تفسیر مأثور از بزرگان صحابه - چنانچه سند روایت از او درست باشد - اعتبار خاص خودش را دارد، زیرا تفسیر را یا از خود پیامبر (ص) اخذ کرده است - و بیشتر در اموری است که به مشاهده حضوری بر نمی‌گردد - یا مربوط به فهم

معانی اولیه لغت است یا به آداب و رسوم جاهلیت و امثال آن باز می‌گردد که صحابه از آن آگاهند؛ ولی اگر تفسیر صحابی‌ای از موارد یاد شده نباشد، بدون شک، حدیث صحابه - به مقتضای مقام ایمان که آنان را از سخن بی‌دلیل باز می‌دارد - پشتوانه علمی محکمی دارد مبنی بر اینکه آن را از عالمی آگاه آموخته است، در غیر این صورت، حدیث، موقوف است و پشتوانه آن فهم خاص، خود آن صحابی به شمار می‌رود که بی‌گمان فهم او از قرآن - نسبت به کسی که از درک حضور وحی و عهد رسالت به دور می‌باشد - به واقع نزدیک‌تر است. حتی امکانات شناخت واژگان قبایل اولیه و عادات و رسوم جاری میان آنان نیز برای صحابه بیشتر فراهم بوده است. ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) درباره دانشمندان صحابه به این مطلب تصریح کرده است. وی می‌گوید: دانش و اطلاعات آنان درباره نزول آیات قرآنی از دیگران به صحت نزدیک‌تر است» (همان، ص ۲۸۲). آیت‌الله معرفت در سخنان خود راجع به حجیت قول صحابه، به عباراتی همچون صحابه، بزرگان صحابه و چهره‌های برجسته آنان تکیه و تأکید دارد. ایشان در خصوص پیراستگی تفسیر صحابه از تفسیر به رأی می‌گوید: «چهره‌های برجسته صحابه از آن برکنار بودند» (همان، ص ۲۸۵). بر اساس همین عبارت می‌توان گفت که ایشان اولاً، صحابه مفسر را مدنظر داشته است و نه همه صحابه را، ثانیاً، صحابه مفسر را در عده محدودی اراده کرده است، ثالثاً، از بین همان عده خاص نیز قائل به تفصیل است:

الف) صحابه مفسر از اهل بیت (ع)؛

ب) صحابه مفسر غیر اهل بیت (ع)؛

ایشان در این خصوص آورده‌اند که: «چهار تن از صحابه به تفسیر قرآن شهره‌اند و پنجمی ندارند. اینان عبارتند از: ۱. امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب (ع) که سرآمد و داناترین آنان است، ۲. عبدالله بن مسعود، ۳. ابی بن کعب، ۴. عبدالله بن عباس که از نظر سن کوچک‌ترین آنان است، ولی در رواج تفسیر از دیگران جلوتر است» (همان، ص ۱۹۴). در نتیجه، آنجا که ایشان اقوال تفسیری صحابه را که منتسب به خود آنان است، مطرح می‌کند، مراد صحابه‌ای است که به تفسیر شهره‌اند، زیرا قاطبه روایات و نظرات تفسیری صحابه را که به آنها استناد شده و می‌شود، متعلق به اینان است، یعنی صحابی مفسر معصوم، علی (ع) و صحابی مفسر غیر معصوم که عبارتند از: عبدالله ابن مسعود، ابی بن کعب و عبدالله بن عباس، و سایر صحابه با وجود مرتبه بالا، به دلیل اینکه روایات تفسیری اندکی از آنان ذکر شده است یا اصلاً ذکر نشده است و یا جزو صحابه بلندپایه و طراز اول نبوده‌اند، در این تقسیم‌بندی مدنظر مرحوم معرفت، داخل نشده‌اند. البته، ایشان هر چهار مفسر یاد شده را در یک ردیف قرار نداده است، بلکه حضرت علی (ع) را در رأس همه و بلکه محور اصلی دین و محور سنجش صحابه و تابعین شایسته از ناشایست معرفی می‌کند (ر.ک. معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰۶). بنابراین، «علامه معرفت قول صحابیانی را معتبر می‌داند که همچون امام علی (ع) و امام حسن و امام حسین (ع) باشند یا افرادی مثل عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و عبدالله بن عباس که با اخلاص اسلام را پذیرفتند و ثابت قدم ماندند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۹).

ممکن است سؤال شود، دلیل ذکر حضرت علی (ع) به عنوان صحابی و نه منحصرأ یکی از اهل بیت (ع) در این تقسیم‌بندی و همچنین، سایر موارد در تفسیر اثری جامع چیست؟

جواب مورد توجه و قابل قبول نگارنده آن است که «دیدگاه اصلی استاد به عنوان یک عالم شیعه، همان عصمت و جایگاه الهی ایشان است، ولی در تعابیری، اهل بیت (ع) را به عنوان یک صحابی یا تابعی معرفی می‌کند تا اهل سنت را بر اساس مبنای کلامی و حدیثی خودشان، متقاعد به مطالعه و پذیرش روایات تفسیری اهل بیت (ع) کند. این رویکرد، شاید همان روشی باشد که شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی در تفسیر خود، به صورت عملی به کار گرفته‌اند» (محمدی‌فرد، ۱۳۹۶، ص ۱۷). از همین جا، یکی از وجوه مفارقت دیدگاه آیت‌الله میلانی و آیت‌الله معرفت در خصوص صحابه نیز مشخص می‌شود و آن عبارت است از اینکه آیت‌الله معرفت، اهل بیت (ع) را جزو صحابه ممتاز به شمار آورده است، حال آنکه آیت‌الله میلانی، بین صحابه و اهل بیت (ع)، تفکیک نایل شده و برای آنها دو شأن مستقل قائل است: «عنوان اهل بیت، مستقل و جدا از صحابه است و خداوند، اهل بیت (ع) را ممتاز کرده است» (میلانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

در بحث تعریف صحابه گفته شد که آیت‌الله میلانی آورده است: «در میان اطرافیان رسول خدا (ص)، مؤمنان صادقی نیز بوده‌اند که با نیت یادگیری و اخذ تعالیم و دستورات دین خدا، به خدمت خاتم الانبیاء (ص) شرفیاب شده و با دقت، حقایق دین را از آن حضرت اخذ می‌کرده‌اند و ایمان و صداقتشان موجب می‌شد تا آنچه را از رسول خدا (ص) آموخته‌اند، بدون زیاده و نقصان و بی هیچ دخل و تصرفی، به دیگران منتقل کنند. بی شک، تنها این گروه صلاحیت واسطه بودن برای انتقال قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) را دارند و می‌توان با اعتماد کامل به آنان، تفسیر صحیح قرآن و احکام و معارف دین را که توسط رسول خدا (ص) بیان شده، دریافت کرد» (همان، ص ۴۳).

حال این سؤال پیش می‌آید که این مؤمنان واقعی چه کسانی هستند؟

آیت‌الله میلانی چهار گروه را در دریافت تعالیم دینی از آنان، قابل اعتماد نمی‌داند: «نه مشرکان، نه اهل کتاب، نه منافقان و نه بیماردلان، هیچ یک مرجع مطمئن و قابل اعتمادی برای آگاهی از گفتار، رفتار و تقریر رسول خدا (ص) نیستند و دریافت تعالیم و دستورات دینی از آنان و عمل بر اساس آن، مبرء ذمه و مجزی نخواهد بود» (همان، همانجا). ایشان معاصران پیامبر (ص) را در پنج گروه تفکیک نموده است: مؤمنان صادق، مشرکان، اهل کتاب، منافقان و بیماردلان که از میان آنان، دریافت تعالیم دینی را از مؤمنان صادق جایز و معتبر می‌داند و چنانکه آمد، ایشان بین صحابه و اهل بیت (ع) تفکیک قائل است. بر این اساس، دو حالت متصور است:

الف) عده‌ای از صحابه نیز داخل در گروه مؤمنان صادق هستند که در این صورت، نظر آیت‌الله معرفت در خصوص صحابه واقعی و همچنین، حجیت قول آنان، تأمین و تصدیق خواهد شد؛

ب) مراد از مؤمنان صادق، اهل بیت (ع) بوده و صحابه داخل در آن نخواهند بود که در این صورت و با توجه به تفکیک ایشان بین صحابه و اهل بیت (ع)، همه صحابه یا منافقان یا مشرک یا اهل کتاب و یا بیماردل که این احتمال، بر اساس دلایل قرآنی و روایی و همچنین مستندات تاریخی، قابل پذیرش نخواهد بود.

در خصوص دیدگاه آیت‌الله معرفت، ممکن است اشکال شود که ایشان در آغاز از حجیت تفسیر صحابیان بحث کرده و در ادامه، به ارزش و اعتبار سخن آنان و نیز، شروط حجیت آن اشاره می‌کند: «تفسیر صحابه دارای اعتبار بالایی علمی و عملی است، زیرا آنان درهای علم پیامبر (ص) و راه‌های رساننده به آن هستند، پیامبر (ص) آنان را تربیت کرده و به آنان علم و فقه آموخته تا واسطه‌هایی میان ایشان و مردم باشند و هر زمان که به میان قوم خود برگشتند آنان را انداز دهند. آنان جز از منبع وحی الهی برای مردم سخنی نمی‌گفتند و فقط گفته‌های بر حق پیامبر (ص) را برای مردم بازگو می‌کردند. آری، شرط حجیت و اعتبار سخن آنان دو چیز هست: اول اسناد به آنان صحیح بوده و دوم از صحابه طراز اول بوده باشند. اگر این دو شرط تحقق یابد، به سخن آنان اعتماد می‌شود و مورد قبول قرار می‌گیرد» (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۸). ایشان در ادامه از اینکه تفسیر جای تحقیق است و نه تقلید، سخن می‌راند: «نظر صحیح اعتبار سخن صحابی در تفسیر است، چه برداشت خود وی بوده و یا نقل از رسول خدا (ص) بوده باشد. سخن صحابه یکی از منابع اصلی در تفسیر است. البته، باید از روایات ضعیف و جعلی پرهیز کرد همانگونه که امام بدرالدین زرکشی گفته و این سخن حقی است که در آن تردیدی وجود ندارد. پیشوای ما در این زمینه تقلید نیست، بلکه تحقیق است» (همان، ص ۱۵۰)، از این رو، معلوم نیست که تفسیر صحابی از چه ارزش و جایگاهی برخوردار است؟ زیرا اگر تفسیر عرصه تحقیق است، حجیت و اعتبار سخن صحابیان در تفسیر معنا ندارد، بلکه با فرض تحقیقی بودن، سخن هر محقق و دانشمندی که با استناد به منابع اصیل اسلامی و با ابتناء بر اصول و قواعد، به اظهار نظر در تفسیر می‌پردازد، از ارزش و اعتبار برخوردار است و این اختصاص به صحابیان ندارد، زیرا حجیت در معنای لازم‌الاتباع بودن است که در این صورت، مانع تحقیق و مقتضی تقلید خواهد بود، حال آنکه مرحوم معرفت از یک سو، تفسیر را عرصه تحقیق می‌داند و از سوی دیگر، سخن صحابه را حجت، که این دو با هم در تضاد هستند، حتی اگر بگوییم حجیت و اعتبار به یک معناست، اما اینکه در نهایت گفته شده تفسیر جای تحقیق است نه تقلید، دیگر چه جایی برای حجیت و اعتبار تفسیر صحابی باقی می‌ماند؟

در جواب باید گفت، این دو هیچ تضادی با هم ندارند، زیرا از نظر ایشان، حجیت و اعتبار روایات تفسیری صحابه، مربوط به روایات موثق و صحیح و دریافته‌های مجتهدانه ایشان است و نه مطلق روایات. بر این اساس، شناخت روایات ضعیف صحابه و پرهیز از آن، عین تحقیق است و نه تقلید. ایشان در خصوص آراء تفسیری تابعان، به عنوان شاگردان صحابه و طبقه‌ای که در تفسیر به اقوال صحابه استناد کرده و به ظاهر تقلید از آنان به نظر می‌رسد، می‌گوید: «این بازگشت به سخنان تابعان، دنباله روی کورکورانه از آنان یا تعبد به پذیرش سخنشان نیست، بلکه یاری جستن و بهره‌مندی از آن در راه رسیدن به مفاهیم کامل و دستیابی به مراتب بالای آن است. از این رو، این روش گونه‌ای ارزیابی و تحقیق در گزینش [معنا] است، نه تقلید یا تعبد به یک رأی... به نظر ما، اگر مراد، تعبد به اقوال تابعان و تسلیم شدن در برابر آرای تفسیری تابعان باشد، این توجیهی ندارد، مگر از جهت توجه به دیدگاه‌های آنان به هدف تحقیق و رسیدن به هدف مطلوب، به گونه‌ای که آراء آنان، بستری برای رسیدن به حقیقت باشد» (معرفت، ۱۳۹۰، صص ۱۷۰-۱۷۳). از آنجا که بخش اعظم آراء تفسیری تابعان برگرفته از صحابه

می‌باشد، در خصوص صحابه نیز همین نظر صادق است. به این معنا که حجیت قول صحابه در تفسیر به معنای تعبد و تقلید از ایشان نیست، بلکه می‌تواند با تحقیق و مذاقه در آنها، به عنوان بستر و ابزاری در راه فهم بهتر مفاهیم قرآنی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

از تحلیل و تطبیق دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت و آیت‌الله میلانی درباره تعریف صحابه و حجیت و عدم حجیت قول آنان در تفسیر به دست آمد که:

۱. تعریف آیت‌الله معرفت از صحابه و اعتبار قول آنان در تفسیر، قابل قبول می‌باشد، زیرا اولاً، برخلاف برداشت آیت‌الله میلانی، تعریف ایشان از صحابه‌ای که سخنانشان دارای اعتبار است، تعریفی حداقلی بوده و عده معدودی را به عنوان صحابه - راستین - پیامبر (ص) داخل در این تعریف می‌داند و ثانیاً، اعتبار اقوال تفسیری صحابه [صحابه راستین از میان خیل صحابه] را تحت عنوان حدیث موقوف، مشروط و محدود نموده است که در صورت تحقق آنها، برای اقوال تفسیری صحابه حجیت قائل است. البته، ایشان بیان خود قرآن و نیز، روایات تفسیری معصومین (ع) را مقدم بر اقوال صحابه و همچنین تابعان، فرض دانسته است. به همین دلیل، استفاده از اقوال تفسیری صحابه در نگاه آیت‌الله معرفت زمانی است که روایات صحیح و مبینی از ناحیه معصومان (ع) وارد نشده باشد. البته، در این مورد نیز به کارگیری روایات صحابه منوط به نقد محتوایی و تطابق با محکومات قرآنی است؛

۲. آیت‌الله معرفت با ارائه تعاریف حاوی مفاهیم متعدد، دایره مصادیق صحابه را بسیار محدود ساخته و از بین خود صحابه نیز، آنجا که حجیت و اعتبار قولشان را مطرح کرده است، بزرگان و چهره‌های برجسته ایشان را که همان صحابه طراز اول هستند، مد نظر داشته است؛ اما آیت‌الله میلانی حتی برای صحابه طراز اولی همچون عبدالله ابن عباس و... در تفسیر، اعتباری قائل نیست؛

۳. بر طبق مبانی آیت‌الله معرفت، در خصوص حجیت قول صحابه، بایستی قائل به تفصیل شد و ارائه نظر کلی و مطلق در این خصوص، با اصول اعتقادی و مبانی شیعی تناسب ندارد. بنابراین، صحابی را می‌توان در دو گروه معصوم و غیر معصوم در نظر گرفت. در حجیت قول صحابی معصوم هیچگونه شبهه‌ای عارض نبوده، اما در خصوص روایات تفسیری صحابه غیر معصوم، می‌توان حجیت قائل شد و آن زمانی است که خود شاهد نزول آیه و شأن نزول آن بوده‌اند؛

۴. بر اساس دیدگاه آیت‌الله معرفت، اقوال صحابه با در نظر گرفتن شرایط پیش گفته، حجیت ذاتی ندارد، بلکه از آن جهت که طریقی است به حجیت ذاتی قول پیامبر (ص)، حجیت طریقی دارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد؛ *أسد الغابة في معرفة الصحابة*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ *تلخیص فہوم اہل الأثر فی عیون التاریخ والسیر*؛ بیروت: شرکتہ دار الارقم، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی؛ *الإصابة في تمييز الصحابة*؛ تحقیق: علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن درید، محمد بن حسن؛ *جمهرة اللغة*؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن عباد، صاحب اسماعیل؛ *المحیط فی اللغة*؛ تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن قیم جوزیہ، محمد بن ابی بکر الدمشقی؛ *اعلام الموقعین عن رب العالمین*؛ بیروت: دارالجلیل، ۱۹۷۳م.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۸. اخوان صراف، زہرا؛ «*تحلیل دیدگاه‌ها و مبانی آیت الله معرفت در کاربرد، دامنه و اعتبارسنجی روایات تفسیری*»؛ علوم حدیث، ش ۸۹، ۱۳۹۷ش.
۹. امین، محسن؛ *اعیان الشیعة*؛ تحقیق حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۱۰. حسینی میلانی، علی؛ *حقیقت صحابه: پژوهشی در واژه صحابه و بررسی و نقد حدیث اصحابی کالنجوم*؛ قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۱۱. _____؛ *عدالت صحابه: بررسی و نقد*؛ قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۱۲. حکیم زاده، فاطمه؛ معارف، مجید؛ «*اعتبارسنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت با رویکرد ارزیابی روایات التفسیر الاثری الجامع*»؛ کتاب و سنت، ش ۲، ۱۳۹۳ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ «*اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت*»؛ حدیث پژوهی، ش ۸، ۱۳۹۱ش.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *گزیده سیمای عقاید شیعه*؛ مترجم: جواد محدثی، قم: مشعر، ۱۳۸۷ش.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ *البداية في علم الدراية*؛ تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: محلاتی، ۱۴۲۱ق.
۱۷. طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرين*؛ تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۸. علیانسنب، ضیاءالدین؛ *صحابه در قرآن*؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ش.
۱۹. غفاری، علی اکبر؛ *تلخیص مقیاس الهدایة*؛ تهران: جامعه الامام الصادق (ع)، ۱۳۶۹ش.
۲۰. فراهیدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد؛ *کتاب العین*؛ تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لاحکام القرآن*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۲. محمدی فرد، علیرضا؛ «*مقایسه ارزش تفسیری اخبار صحابه و تابعان و روایات اهل بیت (علیهم السلام) در التفسیر الاثری الجامع*»؛ پژوهشهای قرآنی، ش ۲، ۱۳۹۶ش.
۲۳. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۲۴. معرفت، محمد هادی؛ *التمهید فی علوم القرآن*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۵. _____؛ *تفسیر اثری جامع*، ترجمه: جواد ایروانی، قم: التمهید، ۱۳۹۰ش.
۲۶. _____؛ *تفسیر الأثری الجامع*؛ قم: التمهید، ۱۳۸۷ش.
۲۷. _____؛ *تفسیر و مفسران*؛ قم: التمهید، ۱۳۷۹ش.
۲۸. _____؛ *صحابه از منظر اهل بیت (علیهم السلام)*؛ قم: التمهید، ۱۳۸۷ش.
۲۹. ناصح، علی احمد؛ *اعتبار و کاربرد روایات تفسیری*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.